
واکاوی نقش فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) در تثبیت و توسعه حقوق زنان

دکتر حمیدرضا اکبرپور

دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد قشم، هرمزگان
Hamidakbarpour172@gmail.com

■ چکیده

پس از اتمام جنگ جهانی دوم و ظهور سازمان‌های بین‌المللی در عرصه نظام بین‌الملل، جهان شاهد تغییر در چینش بازیگران بین‌المللی بود. این تغییر چینش بار دیگر و در دهه‌های اخیر با ورود سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در حال اتفاق افتادن است. شخصیت حقوقی بین‌المللی این سازمان‌ها با توجه به گستره فعالیت و نقشی که در حقوق بین‌الملل به واسطه فعالیت‌های فراتخصصی خود در عرصه‌های مختلف از جمله حقوق زنان دارند، قابل اثبات است. این پژوهش در پی بررسی عملکرد فیفا به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی غیردولتی در زمینه حقوق زنان است. فیفا نیز با مورد توجه قرار دادن مسائل و حقوق زنان و اهمیت به حضور آنان در ساختار و نهادهای زیرمجموعه سازمان مزبور، به دنبال تثبیت و توسعه حقوق زنان است؛ هم‌چنین با سازمان‌های بین‌المللی مختلف به‌ویژه سازمان‌های تخصصی وابسته به سازمان ملل مانند یونیسف، همکاری نزدیک و رو به گسترشی در زمینه حقوق زنان دارد. این تکاپوی فیفا و اهمیت تبلیغاتی و تأثیرگذاری این ورزش به‌عنوان پرطرفدارترین ورزش در جهان، موجب اهمیت نقش سازمان مزبور در تثبیت برخی از حقوق زنان شده است. در واقع فیفا با استفاده از ابزار افکار عمومی که تحت تأثیر فوتبال است، به مورد توجه قرار گرفتن مسائل زنان در جامعه بین‌الملل، کمکی وافر نموده است.

■ **کلید واژه‌ها:** پروژه گل‌ها برای دختران، تبعیض جنسیتی، حقوق زنان، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، فیفا.

مقدمه

سطح ارتباطات بین‌المللی با شکل‌گیری جهان معاصر و تأسیس کشورهای جدید، دچار تحوّلی عظیم شد. روابط کشورها که ابتدا به صورت دو جانبه مطرح بود، به سمت همکاری‌های همه‌جانبه و چندجانبه حرکت کرد و موجب تشکیل اتحادیه‌هایی بین‌المللی مانند اتحادیه جهانی پست و اتحادیه بین‌المللی تلگراف و کمیسیون‌های رودخانه‌ای مانند کمیسیون راین در سال ۱۸۱۵ و کمیسیون دانوب در ۱۸۵۶ میلادی گردید. این همکاری‌های جهانی، زمینه‌ساز تشکیل تابعین جدید در حقوق بین‌الملل شد. تابعین مزبور همان سازمان‌هایی بودند که با توجه به گسترش روابط جهانی پا به عرصه جامعه بین‌المللی گذاشتند (زمانی، ۱۳۸۷: ۱۳).

با نگاهی به تاریخ سیاسی دوران باستان، منشأ نخستین نهادهای بین‌المللی را می‌توان در دولت شهرهای یونان یافت، اما نقطه عطف در این زمینه، معاهدات صلح وستفالی در سال ۱۶۴۸ میلادی است که می‌توان آن را اولین اقدام در راه ایجاد تشکیلات بین‌المللی در دوران جدید نامید (Hathaway & Shapiro, 2017: XIX).

معاهدات وستفالی، اصول اساسی حقوق بین‌الملل را پایه‌ریزی کرد و حاکمیت و برابری کشورها از جمله اصول عمده روابط بین‌الملل قلمداد گردید. در این دوره، مفاهیم حاکمیت، دولت - ملت و حکومت شکل گرفت. بدین‌گونه دولت‌ها به‌عنوان تابعان اولیه و اصلی مطرح شدند، و زمینه‌های نخستین سازمان‌های بین‌المللی دولتی را با تشکیل کنفرانس‌های بین‌دولت، پایه‌گذاری کردند (فروغی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۵۴).

به‌طور کلی پس از جنگ جهانی دوم، سازمان‌های بین‌المللی به‌طرزی شگفت‌انگیز شروع به رشد و نمو کردند. بر اساس سالنامه سازمان‌های بین‌المللی، هم‌اکنون قریب به ۶۷۰۰۰ سازمان بین‌المللی در حال فعالیت هستند (UIA, 2014).

با قدرت‌یافتن سازمان‌های بین‌المللی، این تابعان جدید حقوق بین‌الملل مورد کاوش نظریه‌های مطرح در روابط بین‌الملل قرار گرفته و هریک به‌نحوی و از دیدگاه خود به روایت ماهیت و چیستی سازمان‌های مزبور پرداختند. قبل از ورود به بحث نظریات، ذکر این نکته ضروری است که به‌طور کلی سازمان‌های بین‌المللی بر اساس هویت اعضای تشکیل‌دهنده‌شان به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته اول سازمان‌های

دولتی، و دسته دوم سازمان‌های غیر دولتی (آقایی، ۱۳۸۳: ۴).

رنالیسم و مارکسیسم به سازمان‌های بین‌المللی با دیده شک و تردید می‌نگرند؛ اما لیبرالیسم و جهان‌وطن‌انگاری، دیدگاه خوش‌بینانه‌ای نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مذکور دارند. در رهیافت رنالیسم، دولت‌ها به‌عنوان تنها تابعان نظام بین‌الملل محسوب می‌شوند، و در رهیافت مارکسیسم، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی به‌عنوان وابسته‌های کشورهای قدرتمند قلمداد شده و خود‌بازیگری مستقل محسوب نمی‌شوند. در سمت مقابل، لیبرالیسم و رهیافت جهان‌وطن‌انگاری به سازمان‌های بین‌المللی اهمیتی زیاد می‌دهند (در رهیافت لیبرالیسم، دولت‌ها تنها بازیگران نظام بین‌الملل محسوب نمی‌شوند، بلکه در کنار آن‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای بین‌المللی و گروه‌ها نیز فعالیت دارند). در رهیافت جهان‌وطن‌انگاری نیز بر نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، تأکید زیاد صورت می‌گیرد؛ زیرا بر اساس این نظریه، انسان‌ها به‌عنوان شهروندان دولت‌های خاص محسوب نمی‌شوند، بلکه همه در یک جهان زندگی می‌کنند و سرنوشتی مشترک دارند؛ بنابراین برای حل مشکلات جامعه جهانی لازم است نهادهای غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی به‌وجود آیند، چراکه دولت‌ها یا قادر نیستند بر این‌گونه مشکلات فائق آیند، یا اینکه نمی‌خواهند مشکلات مزبور برطرف شوند (سازمند، ۱۳۸۷: ۱۱۹-۱۴۰).

با گذشت زمان، روز‌به‌روز از نظریه‌های مارکسیسم و رنالیسم فاصله گرفته می‌شود و حرکت به‌سمت رهیافت‌های لیبرالیسم و جهان‌وطن‌انگاری سرعت می‌گیرد. یکی از سازمان‌های غیردولتی، فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا)^(۱) است که مسئولیت توسعه و مدیریت اداره فوتبال جهان را بر عهده دارد. فیفا این پدیده مدرن را به جایگاهی رسانده که دیگر نمی‌توان آن را انکار یا تغییر داد. رضا داوری اردکانی، فیلسوف معاصر ایرانی، در باب این پدیده چنین می‌گوید: «با هیچ نیرویی نمی‌توان فوتبال را از جهان مدرن حذف کرد. قدرت فوتبال، فرع علایق روانشناسی اشخاص نیست، بلکه امری ورای آن است، و در زندگی مردم و رسانه‌ها و حتی در روابط بین‌المللی، مقام و اثری دارد که سیاست‌ها و حکومت‌ها نمی‌توانند در مورد آن هر تصمیمی که بخواهند، بگیرند» (داوری اردکانی، ۱۳۸۸، ۴).

اهمیت و محبوبیت ورزش فوتبال موجب شده که فیفا از پتانسیلی عظیم در امورات مختلف به‌ویژه در توسعه حقوق زنان برخوردار شود، و به‌عنوان تنها نهاد صلاحیت‌دار و انحصاری ورزش مزبور، قدرتی زیاد به‌دست آورد، آن‌گونه که می‌تواند در بسیج افکار عمومی، نمود پیدا کند.

اهداف مطرح شده در ماده دوم اساسنامه فیفا به‌خوبی نشان‌دهنده آن است که فیفا در پی گسترش نقش خود است؛ بدین معنی که دو بند از اهداف اساسنامه مذکور در حوزه زنان است. در بندهای پنج و شش اساسنامه، فیفا تأکید می‌کند که تلاش خواهد کرد تا «اطمینان یابد که بازی فوتبال در دسترس تمام کسانی که مایل هستند در آن شرکت کنند، صرف‌نظر از جنسیت یا سن آن‌ها، قرار گیرد»، و هم‌چنین «ترویج و توسعه فوتبال زنان و حضور کامل آنان را در تمامی سطوح مدیریتی فوتبال» تضمین کند.

پیوند فوتبال و زنان به قدمت این ورزش است، و حضورشان در ورزش مذکور از دیرباز تا کنون همواره وجود داشته است. مسابقاتی بین مردهای متأهل و مجرد برای قرن‌ها در برخی قسمت‌های انگلیس رایج بود؛ هم‌چنین بازی بین زنان متأهل و مجرد در شهر اینورسک^(۲) اسکاتلند در اواخر قرن هفدهم برگزار می‌شد که معمولاً زنان متأهل پیروز می‌شدند؛ شاید مسابقات مذکور با قصد نشان دادن برتری افراد متأهل بر مجردها صورت می‌گرفت (FIFA, 2017a). با توجه به همین مطلب، فوتبال زنان مشخصاً برخلاف آنچه که خیلی از افراد تصور می‌کنند، پدیده‌ای جدید نیست. با توجه به آنچه گفته شد، پرسش اصلی این پژوهش، واکاوی نقش فوتبال و نهاد اداره‌کننده آن یعنی فیفا در تثبیت و توسعه جایگاه زنان است.

در باب اهمیت موضوع می‌توان به نفوذ روز افزون سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در سطح جامعه بین‌الملل اشاره کرد، که در این میان، سازمان‌های ورزشی، رشدی چشمگیر پس از جنگ جهانی دوم داشته‌اند. چگونگی رشد و گسترش کمیته بین‌المللی المپیک و فدراسیون بین‌المللی فوتبال، گواهی بر این مدعاست. ورزش گرچه همواره بخشی مهم از فعالیت‌های فردی و گروهی جامعه بشری بوده، اما امروزه در شاکله اقتصاد جهانی و برخوردار از تأثیرات اجتماعی نیز

شده است. تعداد مدال‌های المپیک و جام‌های جهانی، نمادی از قدرت اقتصادی، سیاسی و عرض‌اندام ابرقدرت‌های دنیا در مراحل پیشرفت و توسعه محسوب می‌شود که نمونه بارز، پیشی گرفتن کشورهای چین و آمریکا در این زمینه است.

تأثیر ورزش بر ملل دنیا به نحوی است که تعداد کشورهای عضو فدراسیون جهانی فوتبال از کشورهای عضو سازمان ملل متحد، بیشتراند (جلیلی کامجو، ۱۳۹۲: ۲۹)، و همین امر نشان‌دهنده ضریب نفوذ ورزش در جهان امروز است و اهمیت توجه به سازمانی مثل فیفا را توجیه می‌نماید.

همه این موارد با تکیه بر اهمیت روزافزونی که حقوق زنان در جامعه بین‌المللی پیدا کرده، و به‌عنوان زیرمجموعه حقوق بشر به پیش شرط انکارناپذیر همه سازمان‌های بین‌المللی در رویه تبدیل شده، باعث گردیده که بر اهمیت مطالعه عملکرد فیفا در حقوق زنان افزوده شود.

چارچوب نظری

رهیافت نهادی، موضوع مطالعه را نهادهای مختلف بین‌المللی قرار می‌دهد و مطالعه مزبور بر رشته‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل بسیار تأثیرگذار است: «رهیافت نهادی به‌عنوان یک نظریه به ارائه گزاره‌هایی در مورد علل و نتایج نهادهای سیاسی می‌پردازد، و به ارزش‌های سیاسی لیبرال - دموکراسی اعتقاد دارد. حامیان این رهیافت، قواعد و رویه‌های قانونی را به‌عنوان متغیر اساسی مستقل، و کارکرد و سرشت دموکراسی‌ها را به‌عنوان متغیر وابسته در نظر می‌گیرند، و معتقدند همین قواعد است که رفتار را تجویز می‌کند.

رهیافت نهادی به‌عنوان یک روش دارای سه ویژگی توصیفی - استقرایی، رسمی - قانونی^(۳) و تاریخی - مقایسه‌ای است (حقیقت، ۱۳۸۷: ۱۹۸)؛ نیز به‌عنوان ویژگی تعیین‌کننده مکتب انگلیسی سیاست شناخته می‌شود. از دید مکتب انگلیسی، نهادهای بین‌المللی به همکاری‌های بین‌المللی در جهت تأمین اهداف و منافع مشترک در جامعه دولت‌ها شکل می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۶۶: ۱۶۶). مهم‌ترین مفروض‌های نهادگرایی عبارتند از:

- اهمیت نهادها: رفتار سیاسی عمیقاً تحت تأثیر بستر نهادی قرار می‌گیرد که در چارچوب آن شکل گرفته و اهمیت می‌یابد؛
- اهمیت تاریخ: میراث گذشته برای حال قابل توجه است؛
- پیچیدگی و پیش‌بینی ناپذیری: نظام‌های سیاسی، پیچیده و ماهیتاً پیش‌بینی ناپذیر هستند؛
- اهمیت منافع غیرمادی: رفتار کنشگران همیشه تابعی ایزاری از منفعت مادی نیست (های، ۱۳۸۵: ۳۷).

با توجه به آن چه گفته شد، در خصوص نهادگرایی و فیفا، موارد ذیل قابل بحث‌اند: نخست اینکه فیفا به‌عنوان نهادی بین‌المللی شناخته می‌شود و در نتیجه روش نهادگرایی که مربوط به بررسی نهادها بوده و به سیر تحول آن‌ها می‌پردازد، مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ هم‌چنین با توجه به اهمیت سیر تاریخی در این روش، عملکرد سازمان مزبور در بستر تاریخی و واکنش آن به مقتضیات زمان خود، مورد بررسی و تحلیل واقع می‌شود، که بر همین مبنا، روش توصیفی- استقرایی به‌عنوان روش غالب این مقاله انتخاب شده است. بر اساس یکی از مفروضات اساسی در رهیافت نهادی، عملکرد فیفا تحت تأثیر بستر نهادی آن است که برای این پژوهش به تشریح فعالیت‌های سازمان مذکور در قبال زنان و سپس به توصیف کار ویژه‌ها و عملکرد نهادهای درونی این سازمان در قبال مسئله زنان پرداخته می‌شود؛ هم‌چنین می‌توان مسئله زنان و توجه به آن را در قالب پویایی و تحولات رفتاری به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی نهادگرایی جدید، تعریف کرد.

تاریخچه شکل‌گیری فیفا

با توجه به رهیافت نهادی و توجه ویژه به رفتارهای سازمانی که عمیقاً تحت تأثیر بستر نهادی قرار گرفته و در چارچوب آن شکل می‌گیرد، هم‌چنین سیر تاریخی سازمان‌های مشابه، ابتدا ضروری است به تاریخچه آن و بستر تاریخی که فیفا در آن شکل گرفته، پرداخته شود.

هنگامی که ایده تأسیس فدراسیون بین‌المللی فیفا در اروپا در حال شکل‌گیری

بود، قصد افراد درگیر تأسیس، به رسمیت شناختن انگلیسی‌ها بود که فدراسیون فوتبال خود را قبلاً در سال ۱۸۶۳ تأسیس کرده بودند. به‌همین منظور، هیرشمن^(۴)، دبیر فدراسیون فوتبال هلند، نزد اف جی وال^(۵)، دبیر فدراسیون فوتبال انگلیس رفت و طرح پیشنهادی آن‌ها را پذیرفت، ولی پیشرفت کار به‌منظور دریافت نظر کمیته اجرایی فدراسیون فوتبال انگلیس، بُرد بین‌المللی اتحادیه فوتبال^(۶) و فدراسیون‌های فوتبال اسکاتلند، ولز و ایرلند در مورد این موضوع، متوقف شد. رابرت گورین^(۷)، دبیر دپارتمان فوتبال فرانسه قصد نداشت بیشتر از این صبر کند. او با فدراسیون‌های کشورهای قاره اروپا مکاتبه کرد و از آن‌ها تقاضا نمود تا تأسیس یک سازمان فراگیر و گسترده را مدنظر خویش قرار دهند. در تاریخ اول می ۱۹۰۴، گورین این موضوع را با همتای بلژیکی خود لوئیس موهلینگ هاوس^(۸) در میان گذاشت. مدتی بعد قطعی شد که فدراسیون فوتبال انگلیس تحت ریاست لرد کینارد^(۹) در تأسیس فدراسیون بین‌المللی فوتبال، شرکت نخواهد کرد، در نتیجه گورین از فرصت استفاده کرد و دعوت‌نامه‌هایی را به هیئت مؤسس ارسال کرد، و بدین‌گونه اولین اساسنامه فیفا شکل گرفت و نکات زیر تعیین شد:

- 0 به رسمیت شناختن متقابل و اختصاصی فدراسیون‌های کشورهای حاضر؛
- 0 منع باشگاه‌ها و بازیکنان از بازی کردن هم‌زمان برای فدراسیون‌های فوتبال کشورهای مختلف؛^(۱۰)
- 0 به رسمیت شناختن تعلیق یک بازیکن توسط یک فدراسیون از طرف فدراسیون‌های دیگر؛
- 0 اجرای مسابقات طبق قوانین بازی فدراسیون فوتبال انگلیس.

در همان زمان، ایده برگزاری مسابقات بین‌المللی و اینکه فیفا به تنهایی دارای حق سازماندهی چنین رویدادهایی است، مطرح و در ماده نهم اساسنامه نیز به آن اشاره شد؛ هم‌چنین تصمیم گرفته شد که مقررات مزبور از اول سپتامبر ۱۹۰۴ اجرایی شود.

اولین اساسنامه فیفا، ماهیتی موقتی داشت تا پذیرش اعضای دیگر راحت شود.

سرانجام فدراسیون بین‌المللی فوتبال یا همان فیفا در تاریخ ۲۱ می ۱۹۰۴ در شهر پاریس تأسیس شد، و سند آن توسط نمایندگان ذیصلاح فدراسیون‌های فرانسه^(۱۱)، بلژیک^(۱۲)، دانمارک^(۱۳)، هلند^(۱۴)، باشگاه فوتبال مادرید به نمایندگی از فدراسیون اسپانیا، سوئد^(۱۵) و سوئیس^(۱۶) امضا گردید. این سند که همان تأیید پذیرش اولین اساسنامه فیفا است، به عنوان مبنای حقوقی شکل‌گیری فیفا شناخته می‌شود. در روز تأسیس، فدراسیون فوتبال آلمان^(۱۷)، تلگرامی مبنی بر تأیید تبعیت خود از اصل اساسنامه ارسال کرد (FIFA, 2017b).

بدین ترتیب یکی از بزرگترین سازمان‌های آینده ورزشی جهان با هفت عضو شروع به فعالیت کرد. در طول سالیان گذشته، فوتبال، جایگاه خود را به‌عنوان ورزش اول دنیا تقویت کرده و در شاخه‌های دیگر جامعه مانند اقتصاد و سیاست نفوذ کرده و بیش از هر عامل دیگر تمام مردم و کشورها را در بر گرفته است. هم‌اکنون تقریباً ۲۰۰ میلیون بازیکن فعال، بخشی قابل توجه از صنعت تفریحات و اوقات فراغت را تشکیل داده و بازارهایی جدید را برای خود و باقی جهان تجارت باز کرده‌اند. این ظرفیت هنوز جای کاری زیاد به‌خصوص در آسیا و آفریقا و آمریکای شمالی دارد. در سال‌های اخیر، تعداد اعضای فیفا به ۲۰۹ فدراسیون رسید و به یکی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین فدراسیون‌های ورزشی در جهان تبدیل شد (FIFA, 2017c). سازمانی که مهم‌ترین اهداف خود را در ماده دوم اساسنامه‌اش این‌چنین بیان داشته است:

- الف. ارتقای دائم بازی فوتبال و پیشبرد آن در جهان در پرتو یکپارچگی، آموزش و تعالی ارزش‌های فرهنگی و انسانی آن به‌خصوص از طریق جوانان و برنامه‌های توسعه‌ای آنان؛
- ب. کنترل برگزاری هرگونه مسابقات فوتبال از راه برداشتن گام‌های مقتضی در جلوگیری از نقض اساسنامه، مقررات یا تصمیمات فیفا یا قوانین بازی؛
- ج. حصول اطمینان از اینکه بازی فوتبال در دسترس تمام کسانی است که مایل هستند در آن شرکت کنند، صرف‌نظر از جنسیت یا سن آن‌ها؛
- د. ترویج و توسعه فوتبال زنان و حضور کامل آن‌ها در تمامی سطوح مدیریتی فوتبال؛

هـ. ترویج یکپارچگی، اخلاق و بازی جوانمردانه به‌منظور ممانعت از همه‌ شیوه‌ها و روش‌هایی که می‌تواند تمامیت مسابقات، رقابت‌ها، بازیکنان، مقامات رسمی و فدراسیون‌های عضو را به مخاطره افکنده یا موجب سوءاستفاده از مسابقات فوتبال شود؛ نظیر فساد، دوپینگ یا تغییر نتایج.

شخصیت حقوقی فیفا

اهمیت پرداختن به مبحث شخصیت حقوقی فیفا بدین دلیل است که دورنمایی گسترده‌تر و بهتر از نوع و ماهیت حقوقی فیفا ارائه شود تا پشتوانه‌ای برای عملکرد این نهاد در حوزه مسایل مطرح در سطح بین‌الملل باشد. آنچه که مسلم است، فیفا، سازمان بین‌المللی دولتی نیست؛ زیرا به‌طور جدّ در ماده ۱۹ اساسنامه‌اش^(۱۸) دخالت طرف‌های ثالث را در فدراسیون‌های عضو، ممنوع کرده است؛ هم‌چنین از آنجا که سازمان مزبور بر اساس معاهده‌ای بین‌المللی به‌وجود نیامده، بنابراین با معیارهای ذکر شده برای سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی سنجیده می‌شود. این سازمان‌ها دارای خصوصیتی مشترک‌اند که به‌صورت تطبیقی با شاخصه‌های فیفا سنجیده می‌شوند تا مشخص شود که آیا سازمان بین‌المللی غیردولتی‌اند یا نه.

نخستین ویژگی مشترک سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، عدم ایجاد آن‌ها بر اساس موافقت‌نامه بین‌الدولی است. این مسئله را شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۱۹۵۰ خود اعلام نموده است. بر اساس قطعنامه مذکور: «هر سازمانی که سند مؤسس آن ناشی از یک موافقت‌نامه بین‌الدولی نباشد، سازمانی غیردولتی محسوب می‌گردد» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۲۹۶).

بر اساس ماده یک اساسنامه فیفا، فدراسیون بین‌المللی فوتبال، اتحادیه‌ای ثبت شده در دفتر ثبت تجاری سوئیس و مطابق ماده شصت قانون مدنی کشور مذکور است؛ بنابراین فیفا بر اساس یک معاهده بین‌الدولی ثبت نشده، و از این نظر با سازمان‌های غیردولتی، وجه اشتراک دارد. داشتن اهداف عام‌المنفعه بین‌المللی بدون قصد سودجویی، دومین ویژگی مشترک سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی است (بیگ‌زاده، ۱۳۷۳: ۳۰۱).

همان‌طور که گفته شد، فیفا طبق ماده شصت فصل دوم قانون مدنی سوئیس ثبت گردیده که در مورد انجمن‌ها است. طبق این ماده، انجمن‌های سیاسی، مذهبی، علمی، هنری، خیریه، تفریحی و سایر انجمن‌هایی که هدف اقتصادی ندارند، به محض اینکه مؤسسين شان اراده خود را در قالب اساسنامه‌ها دائر بر ایجاد آن‌ها اعلام کردند، از شخصیت حقوقی برخوردار می‌شوند. اساسنامه مجمع بایستی به صورت کتبی نوشته شود و اهداف، منابع و ساختارش مشخص شده باشد.

طبق این قانون، فیفا، اهداف خود را بیان و به‌عنوان نهادی برای توسعه با گستره‌ای جهانی معرفی می‌کند. بر اساس ماده دوم اساسنامه فیفا، هدف این سازمان، بهبود پیوسته بازی فوتبال و ترویج جهانی آن به‌ویژه از طریق برنامه‌های توسعه جوانان است. بر این اساس، فیفا سازمانی غیرانتفاعی محسوب می‌شود، و ملزم است ذخایر مالی خود را در راه اهدافش هزینه کند (Tomlinson, 2014: 28).

انجام فعالیت مؤثر در بیش از یک کشور، سومین ویژگی مشترک سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی است. اتحادیه انجمن‌های بین‌المللی در سال ۱۹۸۳، این تعداد را سه کشور تعیین نمود. کنوانسیون استراسبورگ در ماده یک بند دو، این تعداد را به دو کشور تقلیل داده است (بیگزاده، ۱۳۷۹: ۱۴).

فیفا با ۲۰۹ عضو و فعالیت در پنج قاره جهان، یکی از بزرگترین سازمان‌های ورزشی جهان را تشکیل داده که حتی فراتر از اعضای سازمان ملل است. با توجه به ویژگی‌های ذکر شده و تطبیق آن با خصوصیات فیفا، ماهیت حقوقی این نهاد با سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی هم‌خوانی داشته، و شکاکیت نسبت به این موضوع را منتفی می‌نماید. مسئله مهم دیگر، شخصیت حقوقی فیفا است که بدون شک مانند هر نهادی دیگر دارای شخصیت حقوقی داخلی است.

همان‌طور که در ماده شصت قانون مدنی سوئیس ذکر شد، به محض اینکه مؤسسين اراده خود را در قالب اساسنامه‌هایشان دائر بر ایجاد آن‌ها اعلام کردند، از شخصیت حقوقی برخوردار می‌گردند؛ اما چالش اساسی در باب شخصیت بین‌المللی سازمان مذکور است. همان‌گونه که در مباحث پیشین ذکر شد، نظام بین‌الملل به سمت شناسایی شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در

حال حرکت است، ولی در حال حاضر نباید در شناسایی شخصیت حقوقی بین‌المللی این سازمان‌ها راه افراط در پیش گرفته شود، بلکه لازم است با توجه به ویژگی‌ها و مختصات هر سازمان غیردولتی، در مورد شخصیت حقوقی بین‌المللی آن تصمیم مقتضی گرفته شود.

در دکتترین حقوقی، پروفیسور پل روتر معتقد است با توجه به عملکرد برخی از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، می‌توان برای آن‌ها قایل به شخصیت حقوقی بین‌المللی گردید (قربان‌نیا، ۱۳۷۷: ۵۵). این منطق مبتنی بر آن قسمت از رأی مشورتی دیوان بین‌المللی در قضیه خسارت وارده به کارمندان سازمان ملل متحد است که چنین بیان داشته است: «اعطای شخصیت حقوقی بین‌المللی نه بر اساس حضور نمایندگان دولت‌ها در سازمان، بلکه بر اساس عملکردهای بین‌المللی آنان است که اعطا می‌شود. در این قضیه، دیوان اعلام کرده که ما برای تشخیص سازمان‌ها نباید به ماهیت افرادی که در آنجا حضور دارند، توجه کنیم، بلکه باید به ماهیت عمل و عملکرد سازمان بنگریم»^(۱۹).

برای احراز شخصیت بین‌المللی باید عملکرد و فعالیت سازمان‌ها در سطح جهانی مدنظر قرار گیرد. هماهنگی این فعالیت‌ها با موازین حقوق بین‌الملل، مشخص‌کننده احراز یا عدم احراز شخصیت بین‌المللی سازمان‌ها است.

فیفا با فعالیت در ۲۰۹ کشور جهان، گستره‌ای بسیار وسیع از این کره‌خاکی را در بر گرفته، اما ماهیت همین فعالیت‌ها نیز در اعطای شخصیت بین‌المللی به نهاد مزبور بسیار مهم است. در ماده دوم اساسنامه فیفا، یکی از اهداف اصلی آن، بهبود پیوسته بازی فوتبال و ترویج جهانی‌اش در پرتو وحدت و ارزش‌های تربیتی، فرهنگی و انسانی به‌خصوص از طریق برنامه توسعه و جوانان است. این ماده به‌صراحت اهداف فیفا را ورای ورزش نشان می‌دهد، که در حقیقت منوط به ترویج ارزش‌ها و توسعه جامعه انسانی شده است. این مسئله در کنار نقش ورزش و به‌طور اخص فوتبال می‌تواند ما را در پیشبرد صلح جهانی در زمینه شخصیت بین‌المللی فیفا اقناع کند.

در قطعنامه ۵۸/۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مصوب سوم نوامبر ۲۰۰۳^(۲۰)، ورزش به‌عنوان ابزاری جهت ترویج آموزش، بهداشت، توسعه و صلح و تفاهم

بین‌المللی شناخته شده است. از سوی دیگر، مورد توجه قرار گرفتن فیفا توسط کنوانسیون‌های بین‌المللی و گذاشتن تکالیفی بر دوش این سازمان، گواهی دیگری بر داشتن شخصیت حقوقی بین‌المللی آن است. در کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش^(۲۱)، به طور مستقیم، فدراسیون‌های ورزشی مورد تأکید قرار گرفتند. در این میان، فیفا نیز که متولی فوتبال به‌عنوان پرطرفدارترین ورزش محسوب می‌شود، مورد خطاب این کنوانسیون بین‌المللی واقع است (مقامی، ۱۳۸۸: ۳۲۸).

زنان در ساختار فیفا

در ساختار قبلی فیفا، چندین کمیته و یک سمت دائم برای زنان در نظر گرفته شده بود که مهم‌ترین آن، کمیته فوتبال زنان و جام جهانی مربوطه بود که مسئول برگزاری جام جهانی زنان مطابق با مقررات مسابقات، لیست شرایط و توافق با فدراسیون کشور میزبان بود. این کمیته هم‌چنین با مسائل کلی فوتبال زنان سر و کار داشت. کمیته سازماندهی جام جهانی زنان زیر بیست‌سال، و کمیته سازماندهی جام جهانی زنان زیر هفده‌سال، از دیگر کمیته‌های فیفا بود که مسئولیت برگزاری مسابقات و رسیدگی به امور و مسائل زنان فوتبال زنان در رده‌های سنی پایین‌تر را بر عهده داشتند.^(۲۲) این کمیته‌ها به‌صورت دائمی در جهت توسعه فوتبال زنان و مسائل مربوط به آن‌ها فعالیت می‌نمودند. از سوی دیگر، زنان در کمیته اجرایی فیفا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای درونی فیفا نیز دارای یک عضو دائم بودند. کمیته اجرایی متشکل از ۲۵ عضو بود که رئیس و یک عضو زن کمیته اجرایی آن توسط کنگره انتخاب می‌شد.

کمیته اجرایی بر اساس ماده ۲۱ اساسنامه سابق فیفا، رکن اجرایی بود، اما در ساختار جدید که بر مبنای اساسنامه این نهاد پی‌ریزی شده، تغییراتی وسیع برای بهبود جایگاه زنان در سازمان مذکور شکل گرفته است. اولین نکته در اساسنامه جدید (ماده دوم)، یک هدف دیگر به اهداف سابق افزوده شده که در بندهای پنج و شش مورد تأکید قرار گرفته است. بندهای پنج و شش اساسنامه جدید چنین مقرر نموده که فیفا تلاش خواهد کرد تا «اطمینان یابد که بازی فوتبال در دسترس تمام

کسانی که مایل هستند در آن شرکت کنند، صرف‌نظر از جنسیت یا سن آن‌ها»، قرار خواهد گرفت؛ هم‌چنین «ترویج و توسعه فوتبال آن‌ها و حضور کامل‌شان را در تمامی سطوح مدیریتی فوتبال» تضمین کند. این نوع نگاه که نشان از اهمیت جایگاه زنان در اساسنامه جدید فیفا دارد، به‌خوبی نشان می‌دهد که فیفا در چه مسیری برای آینده گام برخواهد داشت.

در اساسنامه جدید، گرچه کمیته اجرایی جای خود را به شورای فیفا داده، اما این مسئله باعث کم‌رنگ شدن حضور زنان و تحت‌شعاع قرار گرفتن تنها کرسی دائم که طبق اساسنامه قبل برای آن‌ها در نظر گرفته شده بود، نگردیده، بلکه باعث حضور بسیار پررنگ‌تر زنان در این رکن استراتژیک و نظارتی فیفا شده است.^(۲۳) بر اساس بند پنج ماده ۳۳ اساسنامه جدید: «اعضای هر کنفدراسیون^(۲۴) باید اطمینان یابند که حداقل یک عضو زن جهت عضویت در شورا انتخاب شود، و در صورتی که هیچ‌کандید زنی توسط اعضای کنفدراسیون انتخاب نشود، پست در نظر گرفته شده برای عضو زن آن کنفدراسیون برای تمامی اعضا از دست‌رفته، و تا انتخاب بعدی اعضای شورا، خالی باقی خواهد ماند».

هر یک از شش کنفدراسیون قاره‌ای فیفا^(۲۵) باید حداقل یک عضو زن را برای عضویت در شورای فیفا معرفی کند که ماحصل آن، شش برابر شدن سهم زنان در شورای فیفا نسبت به کمیته اجرایی سابق شده است؛ هم‌چنین بند چهارم ماده ۳۹ اساسنامه جدید^(۲۶)، زمینه حضور زنان در کمیته‌های دائمی^(۲۷) فیفا را تضمین نموده است. از سوی دیگر در ماده ۵۲ اساسنامه جدید - مربوط به مبحث نهادهای قضایی فیفا- بار دیگر تأکید شده که شورای فیفا باید حضور تعدادی از نمایندگان زن را در ارکان قضایی فیفا لحاظ کند و در پیشنهاد به‌کنگره، این امر را مدّ نظر قرار دهد، ضمن آنکه در کنار عضویت در شورای فیفا و کمیته‌های دائمی، زنان برخی سمت‌های موقتی را نیز در اختیار گیرند.

مهم‌ترین و پررنگ‌ترین سمتی را که یک زن در فیفا به‌تصاحب درآورده، دبیرکل کنونی فیفا، فاطمه سامبا ضیوف سامورا^(۲۸) سنگالی است که به‌عنوان اولین دبیرکل زن در فیفا شناخته می‌شود. خانم سامورا ۵۴ ساله با داشتن ۲۱ سال سابقه کار در

سازمان ملل متحد، کار خود را از ماه ژوئن ۲۰۱۶ آغاز خواهد کرد. او جانشین ژروم والکه^(۲۹) فرانسوی شد که به‌علت فساد از کار اخراج گردید (Radnedge, 2016).

فیفا و مبارزه با تبعیض جنسیتی

در گذر زمان و در جواب به تبعیض جنسیتی، جنبش‌هایی برای برقراری تعادل حتی در حدّ نسبی به‌وجود آمدند، که نام جنبش فمینیسم^(۳۰) پُررنگ‌تر از تمامی جنبش‌های دیگر دیده می‌شود. سابقهٔ چندین صدساله و چه بسا چندده‌زار سالهٔ ظلم و ستم بر زنان در جوامع غربی، باعث ظهور جریان‌های زن‌مدارانه در غرب شد که نتیجهٔ آن یکی از قدرتمندترین و رو به رشدترین جنبش‌ها بود که همان فمینیسم است (فیراسکات و سیچل، ۱۳۸۰: ۷۴). بر اساس منویات فمینیسم، این جریان در جهت اعتراض به تبعیض‌های روا داشته شده در حق زنان و در مسیر برابری خواهی حقوق زن و مرد حرکت می‌کند. این جنبش طی دو قرن اخیر به‌طور پیگیر و مستمر با شعار برابری حقوق زن و مرد، فعالیت‌های چشمگیر داشته است (اکبرپور، ۱۳۹۳: ۲).

در راستای این فعالیت‌ها، در سطح بین‌الملل نیز تغییراتی شگرف در حقوق زنان رخ داد. این تغییرات موجب گستردگی حقوق زنان شد و در بسیاری از اسناد بین‌المللی نیز بر عدم تبعیض جنسیتی تأکید گردید. مهم‌ترین این اسناد، منشور سازمان ملل است.^(۳۱) برخی از کنوانسیون‌ها و اعلامیه‌ها نیز به‌صورت ویژه به مسئلهٔ تبعیض جنسیتی پرداخته‌اند که برخی از مهم‌ترین‌شان به قرار زیر است:

- کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان؛
- اعلامیهٔ حذف خشونت علیه زنان؛
- پروتکل اختیاری کنوانسیون حذف کلیهٔ اشکال تبعیض علیه زنان.

فیفا نیز از قافلهٔ این تغییرات عقب‌نماند و زمینه‌های حضور زنان را در عرصهٔ بین‌المللی فوتبال فراهم آورد، و در حقیقت زمین فوتبال را به میدانی برای برابری حقوق زن و مرد تبدیل کرد. اولین باشگاه فوتبال زنان در سال ۱۸۹۴ م. در انگلیس که مهد فوتبال محسوب می‌شود، تأسیس شد. در سال ۱۹۲۱ یعنی چند سال پس از پایان جنگ جهانی اول، حدود ۱۵۰ تیم فوتبال زنان در انگلیس فعالیت داشت. با

وجود حضور مردان در جبهه‌های جنگ، فوتبال زنان بیشتر خودنمایی می‌کرد، اما پس از پایان جنگ جهانی اول و بازگشت مردان از جبهه‌ها در سال ۱۹۲۱م. فدراسیون فوتبال انگلیس از باشگاه‌ها خواست که از فعالیت‌های زنان در این عرصه پشتیبانی نکنند. این ممانعت‌ها گرچه در فرانسه و آلمان نیز رخ داد، اما هرگز مانع رشد فوتبال زنان نشد (خبرگزاری دویچه‌وله، ۱۳۹۲).

فیفا و زیرمجموعه‌های آن در راستای جنبش برابری حقوق زن و مرد، مسابقاتی مختلف در سطح قاره‌ها و جهان برگزار کرد. امروزه فوتبال زنان در مقاطع مختلف و با حمایت فیفا در حال پیشرفت است. بی‌شک این حضور می‌تواند تأثیری زیاد در سایر زمینه‌های مرتبط با حقوق زنان بر جای گذارد. همان‌گونه که در بخش پیشین اشاره شد، زنان در شورا، کمیته‌های دائمی و ارکان قضایی فیفا نقشی مؤثر و فعال دارند، و فیفا حضور همیشگی آن‌ها را در این نهادهای درونی، تضمین نموده است. دبیر کل کنونی فیفا، خانم فاطمه سامبا ضیوف سامورا سنگالی است که به‌عنوان اولین دبیرکل زن در فیفا شناخته می‌شود.

در مجموع، فیفا در تلاش مستمر برای توسعه فوتبال زنان است و خود را متعهد به حمایت مالی از فوتبال آن‌ها می‌داند. در واقع سازمان مزبور با افزایش آگاهی عمومی و اجرای کمپین‌های اطلاعاتی و غلبه بر موانع اجتماعی و فرهنگی برای زنان، سعی در بهبود جایگاه آنان در جامعه دارد. مهم‌ترین اهداف فیفا در فوتبال زنان به قرار زیر است:

- ترویج و توسعه فوتبال زنان و دختران در فدراسیون‌های عضو؛
- بهبود زیرساخت فوتبال زنان در کنفدراسیون‌ها و فدراسیون‌های عضو (این هدف به بهبود زیرساخت‌هایی مانند ورزشگاه‌ها و سایر ابزارهای سخت‌افزاری در جهت تثبیت و تحکیم فوتبال زنان می‌پردازد)؛
- بهبود دائمی کیفیت، سازماندهی و تعمیم مسابقات فوتبال زنان فیفا (این هدف به برنامه‌ریزی و گسترش برگزاری مسابقات فوتبال زنان در پایه‌های مختلف سنی می‌پردازد)؛
- ایجاد شرایطی برای تصدی بیشتر پست‌های فنی و مربیگری توسط زنان در فوتبال؛

- سازماندهی دوره‌های مربیگری و آموزشی برای بازیکنان، مربیان، داوران، پزشکان و مسئولان زن (این هدف در راستای آماده‌سازی زنان برای دستیابی به هدف ذکر شده در بند پیشین است)؛

- سازماندهی سمپوزیوم‌ها و کنفرانس‌ها در مورد فوتبال زنان (FIFA, 2017d).

در برخی مواقع نیز فیفا به ابزاری مناسب جهت ابراز خواسته‌های زنان تبدیل شده است. هر چند این خواسته‌ها به مرحله اجرا نرسد، ولی به مرور زمان، امکان تأثیرگذاری را افزایش می‌دهد. از مواردی که نمود زیادی داشته، می‌توان به مسئله درخواست بالاتر از فدراسیون فوتبال ایران در موضوع ورود زنان به ورزشگاه‌ها اشاره کرد. وی در ملاقات با سران ایران خواستار آن شد تا موانع فرهنگی برای حضور زنان در استادیوم‌های فوتبال برطرف شود. بالاتر عنوان کرد وظیفه خود می‌داند که رفع این ممنوعیت را گوشزد نماید. حمایت از پوشش اسلامی نیز یکی از دیگر مواردی است که ریاست فیفا با توجه به ویژگی‌های فرهنگی خاص خود بدان توجه داشته است (Blatter, 2015).

زنان و پروژه‌های فیفا

پروژه‌های فیفا، مجموعه فعالیت‌هایی است که چندین هدف خاص را دنبال می‌کند، و شامل اهداف فوتبالی و ورای آن است که به بهبود جایگاه زنان و دختران می‌پردازد. تشریح این اقدامات در راستای توصیف کارویژه‌ها و عملکرد فیفا و نهادهای درونی این سازمان در قبال مسئله زنان محسوب می‌شود.

پروژه توسعه فوتبال زنان

فیفا توسعه فوتبال زنان را ترویج می‌کند و خود را متعهد به حمایت مالی از آن‌ها و ایجاد فرصت برای بازیکنان، مربیان، داوران و مسئولان زن برای درگیر شدن فعالانه در فوتبال می‌داند. فیفا با افزایش آگاهی عمومی و اجرای کمپین‌های آگاهی‌بخشانه و هم‌چنین غلبه بر موانع اجتماعی و فرهنگی برای زنان، در راستای هدف نهایی که همان بهبود جایگاه زنان در جامعه است، قدم برمی‌دارد (FIFA, 2017d).

این پروژه که در راستای از بین بردن تبعیض جنسیتی حرکت می‌کند، به‌نحوی مطلوب باعث تقویت برابری زن و مرد در عرصه ورزش و در نهایت جامعه بین‌الملل شده است. این مسئله در جهت تحقق ماده چهارم اساسنامه جدید فیفا است که مقرر می‌دارد: «تبعیض قائل شدن به هر شکلی علیه کشوری، فردی، حقیقی یا گروهی از افراد با در نظر گرفتن اصلیت نژادی، جنسی، معلولیتی، گویشی، مذهبی، سیاسی یا دلایل دیگر به شدت ممنوع بوده، و از طریق اخراج یا تعلیق، قابل مجازات است»؛ بنابراین فیفا مبارزه با تمام اشکال تبعیض به‌ویژه تبعیض جنسیتی در فوتبال را در حیطه مسئولیت خود دانسته و در این باب، ضمانت‌اجراهای خاصی را پیش‌بینی کرده که در مبحث مربوطه ذکر خواهد شد.

فیفا از سال ۲۰۰۲م. در جهت مبارزه با تبعیض، یک روز از سال را تحت‌عنوان روز مبارزه با نژادپرستی و تبعیض، نام‌گذاری کرده و هرساله در یکی از مسابقات برای بالابردن آگاهی در باره از بین بردن نژادپرستی و اشکال مختلف تبعیض، به‌ویژه تبعیض جنسیتی در دنیا، این روز را مورد توجه قرار می‌دهد. برنامه‌های فیفا برای این روز شامل نشست رسانه‌ای، اطلاعیه خبری و یک پروتکل ویژه است که پیش از مسابقه کاپیتان‌های دو تیم، تحت قالب بیانیه‌ای علیه اشکال مختلف تبعیض و نژادپرستی، آن را قرائت می‌کنند. تشریفات این روز با درگیر ساختن کاپیتان‌ها، تیم‌ها و داوران، باعث توجه بینندگان چه در ورزشگاه‌ها و چه بینندگان تلویزیونی می‌شود، و امکان ارسال پیامی یک صدا علیه اشکال مختلف تبعیض فراهم می‌سازد (Delaney & Madigan, 2015: 80).

کمپین دختران به پیش! تحصیل برای هر کودک!

در سال ۲۰۰۳، فیفا، جام‌جهانی زنان را در آمریکا به حمایت عمومی از کمپین «دختران به پیش! تحصیل برای هر کودک» صندوق کودکان سازمان ملل متحد، اختصاص داد که تلاشی برای افزایش آگاهی از حقوق اساسی دختران و پسران محسوب می‌شد. پشت این تصمیم، آماری نگران‌کننده وجود داشت که نشان می‌داد اگر چه تحصیل حق هر کودک است و البته تعهد همه دولت‌ها، اما بیش از

۱۲۰ میلیون دختر و پسر در سراسر جهان از مدرسه محروم‌اند، که بسیاری از آن‌ها دختر هستند.

رئیس فیفا - ژوزف بلاتر - در این مورد گفته: «فیفا مفتخر است یکی از رویدادهای مهم خود را به مبارزات اصیل صندوق کودکان سازمان ملل متحد برای تحصیل دختران اختصاص دهد. هر کودک حق دارد از تحصیل برخوردار شود، و ما نه تنها مسئولیت کمک به آن‌ها را در امکان دسترسی به تحصیل بر عهده داریم، بلکه از فرصت عالی استفاده از فوتبال به‌عنوان ابزاری متحدکننده نیز برخورداریم. با کمک به دستیابی دختران به تحصیل، در واقع به مادران فردا و به طور کلی جامعه کمک می‌کنیم».

مدیر اجرایی صندوق کودکان سازمان ملل متحد، کارول بلامی نیز ضمن تصریح به قدرت اجتماعی ورزش گفت: «یونیسف از رهبری رؤیایی فیفا در اختصاص بازی‌های امسال به تحصیل دختران، عمیقاً سپاسگزار است. این اقدامات، تأثیری ژرف بر زندگی دختران برای تحصیلی با کیفیت دارد، که از فرصت رفتن به مدرسهٔ بیش از ۱۲۰ میلیون کودک دریغ شده است.

صندوق کودکان سازمان ملل متحد با کمال میل و افتخار، اتحاد خود را با فیفا در چارچوب متمرکز کردن توجه جهان به این موضوع مهم از طریق قدرت و نفوذ این ورزش ادامه می‌دهد» (FIFA, 2003). بر همین اساس، اقداماتی انجام گرفت و زمینه برای غلبه بر موانع حضور زنان در مناطق هدف فراهم گردید. فیفا از طریق اعلامیه‌های اینترنتی، ویدیویی، چاپی و فضای استادیوم‌ها برای جلب حمایت از این کمپین استفاده کرد و بیش از ۶۰۰ بستهٔ ورزشی به یونیسف اهدا نمود، تا مشارکت دختران را در ورزش تشویق کرده و توانمندی آنان را در زمینهٔ آموزش تقویت کند. از سوی دیگر با همکاری یونیسف و صندوق کودکان ایالات متحدهٔ آمریکا، دوره‌های مختلف آموزشی سازماندهی شد که بر ضرورت آموزش و حق تحصیل دختران، تأکید داشت. این دوره‌ها با پوشش ۱.۳ میلیون نفر، نقشی بسیار پررنگ در آگاه‌سازی جامعه در باب آموزش دختران و زنان ایفا کرد.

یونیسف زمینهٔ آموزش معلمان را در کشور بوتان نیز فراهم کرد و ۳۰ مدرسهٔ

مبتنی بر حساسیت جنسی^(۳۲) ایجاد نمود. علاوه بر این ها، یونیسف و فیفا کمک کردند تا ۴۰۰۰ دختر و پسر ترک تحصیل کرده به مدارس بازگردند که هفتاد درصد آن ها دختران و زنان جوان بودند. در قالب همین کمپین، همکاری یونیسف با انجمن ملی رهبران سنتی^(۳۳) کمکی وافر به غلبه علیه موانع اجتماعی و فرهنگی برای مشکلات دختران به‌ویژه در مورد ازدواج زود هنگام نمود. یونیسف در جهت پیشبرد این کمپین، قصد حذف یا تأمین هزینه‌های تحصیلی را داشت که مانعی عمده در راه آموزش بود. بر همین اساس در برخی کشورهای هدف از جمله کنیا با اتخاذ سیاست ترویج آموزش رایگان به جذب هر چه بیشتر دختران به تحصیل کمک کرد (UNICEF, 2003: 14).

کمپین مربیگری پسران به‌سوی مردان^(۳۴)

فیفا با همکاری صندوق کودکان ملل متحد و سازمان غیردولتی صندوق پیشگیری از خشونت خانوادگی^(۳۵)، یک کتابچه راهنما برای مربیان فوتبال به نام «مربیگری پسران به‌سوی مردان» منتشر کرد. این اقدام مبتنی بر این اندیشه است که مربیان می‌توانند نقشی منحصربه‌فرد در پرداختن به مسائل خشونت و تبعیض، به‌ویژه علیه زنان و دختران ایفا کنند. کتابچه مزبور به مربیان کمک می‌کند تا با ورزشکاران جوان خود درباره قدرت تحمل صحبت کنند و به آن ها بگویند که خشونت، برابر با قدرت نیست (UNICEF, 2007).

از مهم ترین آموزش هایی که کمپین مزبور بر اساس کتابچه راهنما ارائه داده، خشونت های زبانی و جنسی علیه زنان است. مربیان برای هدایت، آموزش و الهام‌بخشی به بازیکنان، از زبان استفاده می‌کنند. گاهی چند کلمه انتخاب شده قبل از یک مسابقه یا بین دو نیمه بازی می‌تواند به پیروزی یا شکست تیم منجر شود؛ بنابراین، زبان، بسیار قدرتمند بوده و اگر به‌صورت منفی استفاده شود، می‌تواند کاملاً تخریب‌کننده و خطرناک باشد. این امر به‌ویژه در برخورد با زنان می‌تواند به خشونت علیه آنان منجر شود. بر همین اساس، مربیان در طول این کمپین به پسران و مردان جوان آموزش می‌دهند که از زبان خشن علیه دختران و زنان استفاده نکنند. این

آموزش‌ها در زمینه تجاوز به زنان و دختران با تأکیدی بیشتر مورد توجه قرار دارد (UNICEF, 2007:4).

تأثیر مثبت آموزش‌های این کمپین، اثبات شده، به طوری که باعث بروز رفتارهای مثبت در ورزشکاران مرد و کاهش سوء رفتار آنان در قبال دختران و زنان شده است. بر اساس تحقیقاتی که صورت گرفته، از ورزشکارانی که یک سال تحت آموزش بودند، گزارش تخلف‌آمیز کمتری دریافت شده، و کمتر رفتاری خشونت‌آمیز در مقایسه با همسالان خود داشته‌اند (CBIM, 2012).

کمپین گل‌ها برای دختران^(۳۶)

در سال ۲۰۰۷ و به مناسبت جام جهانی زنان در چین، فیفا و صندوق کودکان سازمان ملل متحد، کمپین مشترک جدیدی به نام «گل‌ها برای دختران» به راه انداختند. هدف از ایجاد کمپین مزبور، استفاده از قدرت ورزش به‌ویژه فوتبال برای ترویج تحصیل، برابری جنسیتی و حقوق زنان و دختران بود. رئیس فیفا، ژورف بلاتر با تأکید بر اعتقاد خود درباره قدرت اجتماعی ورزش گفت: فیفا با اختصاص یکی از رویدادهای مهم خود به این کمپین، به دنبال توانمندسازی دختران و کاهش شکاف جنسیتی است. مدیر اجرایی صندوق کودکان سازمان ملل متحد، خانم آن ونمن^(۳۷) نیز بیان کرد: «کودکان در همه جا دارای حق تحصیل هستند، و آموزش دختران، کلیدی برای شکست فقر، گرسنگی، بیماری، خشونت، سوءاستفاده و استثمار است. از طریق کمپین «گل‌ها برای دختران»، فیفا و صندوق کودکان سازمان ملل متحد، این پیام مهم را به طرفداران فوتبال در سراسر جهان منتقل می‌کنند» (FIFA, 2007).

این کمپین تا کنون هفت مأموریت در اقصی نقاط جهان به اتمام رسانده است. اولین مأموریت در سال ۲۰۰۷ میلادی در آفریقای جنوبی انجام گرفت. هدف این مأموریت، مبارزه با آیدز از طریق فوتبال و آموزش‌های جنسی برای زنان به‌ویژه جهت پیشگیری از بیماری مزبور بود. دومین مأموریت در سال ۲۰۰۹ در اوگاندا انجام گرفت. این مأموریت با هدف قرار دادن زنان و دخترانی که در معرض جنگ بودند، سعی نمود آنان را کمک نماید تا بر تجربیات گذشته غلبه نمایند و اهدافی جدید

ترسیم کنند. مأموریت‌های سوم تا پنجم در کشورهای آفریقای جنوبی، تاجیکستان و پرو به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ م. انجام گرفت. اهداف این سه مأموریت با تمرکز بر آموزش دختران و زنان جوان برای کسب مهارت‌های زندگی، کارگروهی، افزایش اعتماد به نفس، زندگی سالم، مسائل بهداشتی و جنسی بود. مأموریت ششم و هفتم در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ در هندوستان انجام گرفت. این مأموریت‌ها با هدف از بین بردن شرم در زنان و دختران (Goals for Girls campaign, 2017) بود که می‌توانست ناشی از وضعیت جسمانی یا روحی آن‌ها باشد. مبارزه با این وضعیت از طریق ورزش به بهترین وجه ممکن امکان‌پذیر است. زنان با حضور در میدانی فوتبال، عملاً با شرم به مبارزه پرداخته و اعتماد به نفس خود را تقویت می‌کنند.

ضمانت اجرایی تصمیمات فیفا

به منظور اینکه تصمیمات و مقررات صادره فیفا به اجرا گذاشته شود، نیاز به ضمانت اجرایی است، و به همین منظور دو دسته ضمانت حقوقی و غیرحقوقی به شرح ذیل اجرا می‌گردد.

الف: ضمانت اجراهای حقوقی

برای تخلفات معمول و با ماهیت فنی، از اقدامات انضباطی مصوب در اساسنامه استفاده می‌شود، و به همین منظور کمیته‌های انضباطی و اخلاقی فیفا برای مسایل مطروحه می‌توانند اقدامات انضباطی ذیل را (که بسته به نوع شخص هدف می‌تواند متغیر باشد) و به‌طور کلی شامل افراد حقیقی و حقوقی می‌گردد، در نظر گیرند: یک‌بخش از این اقدامات مانند تذکر، توبیخ، جریمه و پس‌دادن جوایز، مابین شخص حقیقی و حقوقی، مشترک است. اقداماتی نظیر اخطار کتبی، تعلیق از بازی، محرومیت از حضور در رختکن یا نیمکت، محرومیت از ورود به ورزشگاه، عدم اجازه شرکت در هرگونه فعالیت مرتبط با فوتبال و کار اجتماعی، مختص اشخاص حقیقی است. اقداماتی نظیر محرومیت از نقل و انتقال، بازی بدون تماشاگر، بازی در زمین بی‌طرف، ممنوعیت از بازی در یک ورزشگاه خاص، ابطال نتیجه بازی، اخراج از

مسابقات، جریمه، کسر امتیاز، سقوط به دسته پایین تر و تکرار بازی نیز مختص شخص حقوقی است.^(۳۸)

دسته‌ای از اقدامات انضباطی نیز برای تخلفات حقوقی و مالی وجود دارد که نسبت به اقداماتی که ذکر شد، به مراتب شدیدتر است، و شامل تعلیق و اخراج عضو از فیفا می‌شود. یکی از مهم‌ترین ضمانت‌های اجرایی که علیه عضو متخلف صورت می‌گیرد، اخراج عضو مزبور است که بر اساس ماده هفده اساسنامه فیفا توسط کنگره و به دلایل زیر صورت می‌گیرد:

الف) اگر به تعهدات مالی خود در قبال فیفا پایبند نباشد؛

ب) اگر به‌طور جدی از اساسنامه، مقررات یا تصمیمات فیفا تخلف کند؛

پ) اگر فدراسیونی مقام نمایندگی فوتبال را در کشورش از دست بدهد.

برای اخراج یک عضو، حضور اکثریت مطلق اعضای دارای حق رأی در کنگره، الزامی است، و برای تصویب اخراج به آرای سه چهارم رأی‌دهندگان نیاز است.^(۳۹)

از زمان شکل‌گیری فیفا تا به امروز، در سال ۱۹۶۱ در تقابل با سیاست‌های نژادپرستانه دولت آپارتاید آفریقای جنوبی، فیفا، فدراسیون این کشور را به حالت تعلیق در آورد، اما پس از یک دوره کوتاه که تعلیق برداشته شد، دوباره و این بار به مدتی طولانی تر تعلیق برقرار گردید. سرانجام در سال ۱۹۷۶ و در اوج سیاست‌های نژادپرستانه این کشور، فدراسیون آفریقای جنوبی از فیفا اخراج شد (Ndlovu, 2010: 144).

یکی دیگر از ضمانت‌های اجرایی فیفا در برخورد با اعضای متخلف خود، تعلیق عضویت است. این ابزار، نسبت به اخراج، دارای باری کمتر است، و معمولاً به‌عنوان مقدمه‌ای بر اخراج از آن استفاده می‌شود. مسئولیت تعلیق اعضا - هم چون اخراج اعضا - بر عهده کنگره فیفا است. در مواردی نیز شورای فیفا می‌تواند عضوی را که به‌طور فاحش از تعهدات خود تخلف کرده، به‌طور موقتی تعلیق کند. تعلیق تا زمان کنگره بعدی به‌طول خواهد انجامید و تا هنگامی که شورای فیفا آن را رفع نکند، ادامه خواهد یافت؛ البته ذکر این نکته مهم است که تا زمان تشکیل کنگره، این حکم جاری است و پس از آن کنگره می‌تواند در مورد این مسئله تصمیم‌گیری کند.

برای تصویب درخواست تعلیق یک عضو در کنگره به رأی سه چهارم اعضای حاضر و دارای حق رأی، نیاز است. اگر درخواست تعلیق در کنگره تصویب نشود، به طور خودکار و بدون تشریفات خاص برطرف می‌گردد، و اگر به تصویب کنگره رسید، عضو معلق از حقوق عضویت خود منع می‌شود، و سایر اعضا نیز ملزم می‌شوند که مرادوات ورزشی خود را با او به حالت تعلیق درآورند. نوع خفیف تر، تعلیق در حق رأی است و شامل اعضای می‌شود که در چهار سال متوالی و حداقل دو دوره مسابقات فیفا شرکت نکنند، و تا زمانی که تعهدات خود را در این مورد برآورده نسازند، حق رأی آنان در کنگره معلق می‌گردد.^(۴۰) فیفا تا کنون و به دفعات این اقدام قانونی استفاده کرده که تعلیق فدراسیون های عراق، کویت، نیجریه، سودان و ایران از جدیدترین نمونه‌های آن است.

ضمانت اجرای غیرحقوقی

طبق آمار منتشره از سوی فیفا، افزون بر ۲۶۵ میلیون بازیکن زن و مرد، پنج میلیون داور و مدیر فوتبالی که مجموع آنان ۲۷۰ میلیون نفر می‌شود، درگیر ورزش فوتبال در سراسر جهان هستند (Patterson, 2014: 154)؛ هم‌چنین در جام جهانی ۲۰۱۴، بیش از یک میلیارد نفر در سراسر جهان بازی فینال این رقابت ها را تماشا کردند. این در حالی است که مجموع بینندگان جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل، افزون بر ۳.۲ میلیارد نفر بوده که قریب به نیمی از جمعیت جهان را شامل می‌شود (Emanuel, 2017).

هیچ ورزشی این چنین حضور و جذابیتی در گستره جهان ندارد. این حجم مخاطبان ورزش فوتبال، رهبران دیگر سازمان‌های بین‌المللی را نیز مجذوب خود کرده است. کوفی عنان، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۰۱م. چنین اقرار داشت: «اگر جمعیت جهان را هزار نفر در نظر بگیریم، کمتر از شصت نفر از این هزار نفر صاحب کامپیوتر هستند، و فقط ۲۴ نفر به اینترنت دسترسی دارند، و بیش از پانصد نفر از این افراد در طول عمر خود هنوز با تلفن صحبت نکرده اند. این در حالی است که حدود ۱/۵ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۱ پای تلویزیون‌ها نشستند تا

مسابقه تیم‌های یوونتوس و آ.اس. رم را ببینند»؛ بنابر تعبیر کوفی عنان، ۲۵۰ نفر از همان هزار نفر ساکن این کره خاکی به تماشای این بازی نشستند. این امر نشان‌دهنده ضریب نفوذ این ورزش در جهان امروز است (شمس، ۱۳۸۵: ۹).

بر همین اساس، مهم‌ترین پشتوانه فیفا، افکار عمومی است که با توجه به نقش ورزش و به‌ویژه فوتبال در زندگی روزمره، پشتیبانی افکار عمومی این قدرت را به فیفا می‌دهد که به راحتی تصمیماتش را بر کرسی بنشانند و موجبات پذیرش آن‌ها را در کشورهای عضو فراهم آورد.

نتیجه‌گیری

فیفا، پدیده مدرن ورزش فوتبال را به جایگاهی رسانده که دیگر نمی‌تواند وجود نداشته باشد؛ زیرا در زندگی مردم و در رسانه‌ها و حتی در روابط بین‌المللی، مقام و اثری دارد که سیاستمدارها و حکومت‌ها را تحت تأثیر جذبه خود قرار داده است؛ بنابراین عصری که به این سازمان و ورزش تحت صلاحیت آن، یعنی فوتبال، به صرف یک ورزش نگریسته می‌شد، رو به اتمام است. فیفا امروزه با ۲۰۹ عضو و کنفدراسیون‌هایی در شش قاره جهان، شبکه‌ای در هم تنیده از روابط انسانی حول محور ورزش فوتبال تشکیل داده است. فوتبال به نحوی اعجاب‌انگیز همزاد با پدیده جهانی شدن حرکت می‌کند، و به یکی از نمادهای بی‌بدیل پدیده مزبور تبدیل شده است. این نهاد با قبول تعهدات جدید، پا در عرصه‌ای نوین گذاشته که تلاش در مسائل مربوط به زنان و بهبود جایگاه آنان از مهم‌ترین تعهدات فراطرفی او است.

فیفا به اشکال مختلف زمینه حضور زنان را در فوتبال فراهم کرده، و در حقیقت زمین فوتبال را به میدانی جهت برابری حقوق زن و مرد تبدیل کرده است. فیفا با مهیا نمودن حضور زنان در ساختار خود و به‌ویژه افزایش سهمیه آن‌ها در شورای فیفا، کمیته‌های دائمی و ارکان قضایی خود، در توسعه فوتبال زنان نقشی اساسی ایفا نموده، و حضور پیوسته و مستمرشان را در صحنه‌های اجتماعی تضمین کرده است. با انتخاب دبیرکل کنونی، یعنی فاطمه سامبا ضیوف سامورا سنگالی به‌عنوان اولین

دبیرکل زن، سهمیه مدیریتی زنان در این سازمان تثبیت شد. این حضور پُررنگ زنان در ساختار فیفا، نتیجه حاکم‌شدن دیدگاهی بود که به جدّ در تقابل و مبارزه با تبعیض جنسیتی بود، و تمام تلاش خود را در نگارش اساسنامه جدید بر برابری جنسیتی پایه‌ریزی کرد. فیفا با پروژه‌هایی که با سازمان‌های بین‌المللی متعدد به صورت مشترک اجرا نموده، در تشبیت و توسعه حقوق زنان قدم برداشته است. برگزاری کمپین‌های متعدد از جمله پروژه توسعه فوتبال زنان، کمپین «دختران به پیش! تحصیل برای هر کودک»، و کمپین «گل‌ها برای دختران» با همکاری سازمان غیردولتی صندوق پیشگیری از خشونت خانوادگی و صندوق کودکان سازمان ملل متحد، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین این‌گونه همکاری‌های مشترک بوده است.



پی‌نوشت‌ها

1. Fédération Internationale de Football Association (FIFA)
2. Inveresk
۳. در این روش به مطالعه حقوق عمومی و سازمان‌های رسمی حکومتی پرداخته می‌شود و از پرداختن به ترتیبات، قواعد و هنجارهای غیررسمی خودداری می‌گردد.
4. Hirschman
5. FJ Wall
6. International Football Association Board
7. Robert Guérin
8. Louis Muhlinghaus
9. Lord Kinnaird
۱۰. در بُعد ملی، این مسئله نشأت گرفته از تابعیت افراد است.
11. Union des Sociétés Françaises de Sports Athlétiques (USFSA)
12. Union Belge des Sociétés de Sports (UBSSA)
13. Dansk Boldspil Union (DBU)
14. Nederlandsche Voetbal Bond (NVB)
15. Svenska Bollspells Förbundet (SBF)
16. Association Suisse de Football (ASF)
17. Deutscher Fussball-Bund (DFB)
۱۸. ماده ۱۹ اساسنامه فیفا: «هر یک از اعضا باید در اداره امور خود مستقل بوده و تحت تأثیر غیرضروری هیچ نهاد یا شخص سومی قرار نگیرد».
19. Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations, Advisory Opinion 1949, Look at: www.icj-cij.org/docket/files/4/1837.pdf
20. Resolution 58/5 adopted by the General Assembly. Sport as a means to promote education, health, development and peace, 2003, Look at: <http://daccess-ods.un.org/access.nsf/Get?Open&DS=A/RES/58/5&Lang=E>
21. International Convention against apartheid in sports, Op.cit., article 10, Para 3 (10 December 1985)
22. Look at: FIFA Statutes, adopted by the Congress in Mauritius on 31 May 2013 and come into force on 31 July 2013
۲۳. بند ۲ ماده ۲۴ اساسنامه جدید: «شورا نهاد استراتژیک و نظارتی است».
۲۴. طبق تعریف اساسنامه به گروهی از فدراسیون‌های ملی متعلق به یک قاره (یا یک منطقه جغرافیایی همسان) گفته می‌شود که از سوی فیفا به رسمیت شناخته می‌شوند.
۲۵. بند ۱ ماده ۲۲ اساسنامه جدید: «عضایی که متعلق به یک قاره‌اند، کنفدراسیون‌های زیر را تشکیل داده که توسط فیفا به رسمیت شناخته شده است: کنفدراسیون آمریکای جنوبی فوتبال، کنفدراسیون فوتبال آسیا، اتحادیه فدراسیون‌های فوتبال اروپا، کنفدراسیون آفریقای فوتبال، کنفدراسیون فوتبال آمریکای شمالی و مرکزی و فدراسیون کارائیب، کنفدراسیون فوتبال اقیانوسیه».

۲۶. بند ۴ ماده ۳۹ اساسنامه جدید «... شورا از حضور تعداد کافی از نمایندگان زن باید اطمینان یابد ...».

۲۷. بند ۱ ماده ۳۹: «کمیته های دائمی عبارتند از: کمیته مدیریت، کمیته مالی، کمیته توسعه، کمیته سازماندهی مسابقات فیفا، کمیته ذینفعان فوتبال، کمیته فدراسیون های عضو، کمیته وضعیت بازیکنان، کمیته داوران و کمیته پزشکی».

28. Fatma Samba Diouf Samoura

29. Jerome Valcke

30. Feminism

۳۱. در مقدمه منشور به روشنی به مفهوم مزبور اشاره شده است: «ما مردم ملل متحد با تصمیم به محفوظ داشتن نسل های آینده از بلای جنگ که دوبار در مدت عمر یک انسان افراد بشر را دچار مصائب غیرقابل بیان نموده، و با اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق مرد و زن و ... موافقت حاصل نموده اند، و بدین وسیله یک سازمان بین‌المللی را که موسوم به ملل متحد خواهد بود، تأسیس می‌نمایند».

۳۲. نوعی نگرش در جهت کاهش موانعی است که در مسیر پیشرفت شخصی و اجتماعی و اقتصادی زنان وجود دارد، و محصول موقعیت فرادست مردان بوده است.

33. national association of traditional chiefs

34. Coaching Boys Into Men

35. non-governmental organisation Family Violence Prevention Fund

36. Goals for Girls

37. Ann M. Veneman

38. FIFA Statutes, Op.cit., article 56 (26 February 2016)

39. FIFA Statutes, Op.cit., article 17 Para 2 (26 February 2016)

40. FIFA Statutes, Op.cit., article 16

منابع فارسی

- آقای، سید داوود (۱۳۸۳). حقوق سازمان‌های بین‌المللی. چاپ سوم، تهران: پیام نور.
- اکبرپور، حمیدرضا (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی جایگاه زن به‌عنوان مادر از دیدگاه فمینیستی و اسلامی. کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری و علوم اجتماعی، رشت
- جلیلی کامجو، پرویز (۱۳۹۲). سهم ورزش در اقتصاد. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۹۴۸.
- خبرگزاری دویچه وله (۱۳۹۲). سیری در تاریخچه پرماجرایی فوتبال زنان. وب سایت خبرگزاری دویچه وله، قابل دسترس در (۱۹ تیر ۱۳۹۲)، آدرس: <http://dw.de/p/19544>

- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۸). جهان ما به فوتبال چه نیازی دارد؟ *اطلاعات حکمت و معرفت*، شماره ۴۱.
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۷۳). تأثیر سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی. *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۵.
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۷۹). سازمان‌های غیردولتی و حقوق بین‌الملل. *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۳۱-۳۲.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۷). *روش‌شناسی علوم سیاسی*. چاپ دوم، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۷). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی: شخصیت، مسئولیت، مصونیت*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- سازمند، بهاره (۱۳۸۷). *مطالعه سازمان‌های بین‌المللی از چشم‌اندازی تئوریک*. فصلنامه سیاست، شماره ۶.
- شمس، وفا، (۱۳۸۵). ورزشی که نامش یوروست! *روزنامه ایران*، شماره ۳۴۷۹.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۵). *حقوق بین‌الملل عمومی*. چاپ ۳۶. تهران: گنج دانش، ۱۳۸۵.
- فروغی‌نیا، حسین، (۱۳۹۱). *بین‌المللی شدن حقوق بشر و دگردیسی در مفهوم حاکمیت دولتها در عصر جهانی شدن*. فصلنامه *حقوق بشر اسلامی*، شماره ۱.
- فیرواسکات، آنی و سیچل، بی‌ای (۱۳۸۰). *نهضت برابری زنان از منظر تربیتی*. *مجله معرفت*، ترجمه هادی حسینخانی، شماره ۴۴.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۷۷). *شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی*. فصلنامه مفید، شماره ۱۴.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۶۶). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. چاپ سوم. تهران: سمت.
- مقامی، امیر (۱۳۸۸). *تأثیر سازمان‌های غیردولتی بر حقوق داخلی با تأکید بر فیفا*. *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۱۵.
- های، کالین (۱۳۸۵). *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*، ترجمه احمد گل محمدی. تهران: نشر نی.

منابع لاتین:

- Blatter, Sepp., 2015. "Fifa's Sepp Blatter calls on Iran to end stadium ban for women", The Guardian Website, Available at URL: <https://www.theguardian.com/football/2015/mar/06/fifa-sepp-blatter-iran-stadium-ban-women> (6 March 2015)
- CBIM., 2012. "CBIM WORKS!", Coaching Boys Into Men website, Available at URL: <http://coachescorner.org/wp-content/uploads/2016/07/CBIM-Works.pdf> (14 Novambr 2017)
- Delaney, Tim. & Madigan, Tim., 2015. *The Sociology of Sports: An Introduction*, North Carolina, McFarland
- Emanuel, Daniella., 2017, "Most 2014 World Cup head impacts didn't receive concussion protocols, study says", CNN Website, Available at URL: <http://edition.cnn.com/2017/06/27/health/concussion-protocols-2014-world-cup-study/index.html> (28 June 2017)
- FIFA, 2003. "FIFA and UNICEF stand together for girls' education", Fédération Internationale de Football Association (FIFA) Website, Available at URL: <http://www.fifa.com/sustainability/news/y=2003/m=9/news=fifa-and-unicef-stand-together-for-girls-education-88962.html> (5 February 2017)
- FIFA, 2007. "UNICEF and FIFA unite in bid for women's empowerment", Fédération Internationale de Football Association (FIFA) Website, Available at URL: <http://www.fifa.com/womensworldcup/news/y=2007/m=9/news=unicef-and-fifa-unite-bid-for-women-empowerment-589844.html> (13 February 2017)
- FIFA, 2017a. "Britain: the home of Football", Fédération Internationale de Football Association (FIFA) Website, Available at URL: <http://www.fifa.com/about-fifa/who-we-are/the-game/britain-home-of-football.html> (14 March 2017)
- FIFA, 2017b. "History of FIFA: Foundation", Fédération Internationale de Football Association (FIFA) Website, Available at URL: <http://www.fifa.com/about-fifa/who-we-are/history/index.html> (19 March 2017)
- FIFA, 2017c. "Globalisation", Fédération Internationale de Football Association (FIFA) Website, Available at URL: <http://www.fifa.com/about-fifa/who-we-are/history/globalisation.html> (20 March 2017)
- FIFA, 2017d. "WOMEN'S FOOTBALL", Fédération Internationale de Football Association (FIFA) Website, Available at URL: <http://www.fifa.com/womens-football/mission.html> (22 March 2017)
- Goals for Girls campaign., 2017, "OUR CAMPAIGNS", Goals for Girls Website, Available at URL: <http://www.goalsforgirls.org/our-campaigns/> (10 Novambr 2017)
- Hathaway, Oona A. & Shapiro, Scott J., 2017, *The Internationalists: How a Radical Plan to Outlaw War Remade the World*, New York, Simon and Schuster
- Keir, Radnedge., 2016. "Appointment of Samba Diouf Samoura marks huge leap forward for Fifa", World Soccer Magazine Website, Available at URL: www.worldsoccer.com/news/appointment-of-samba-diouf-samoura-marks-huge-leap-forward-for-fifa-371004 (4 April 2017)

- Ndlovu, Sifiso M., 2010. "Sports as cultural diplomacy: the 2010 FIFA World Cup in South Africa's foreign policy", Soccer & Society, Vol. 11, No. 1-2, 144-153
- Patterson, Michael., 2014. *It's a Brand New Game*, North Carolina, Lulu.com
- Tomlinson, Allen., 2014. *FIFA (Fédération Internationale de Football Association): The Men, the Myths and the Money*, New York, Routledge
- UNICEF, 2003. *UNICEF ANNUAL REPORT 2003*, New York, United Nations Children's Fund
- UNICEF, 2007. "Coaching boys into men", United Nations Children's Fund Website (UNICEF), Available at URL:
https://www.unicef.org/southafrica/resources_8161.html (11 April 2017)
- UIA, 2014. "Yearbook of International Organizations", Website UNION OF INTERNATIONAL ASSOCIATIONS, Available at URL:
<http://www.uia.org/ybio/> (25 February 2017)





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی